

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دهم شهریور ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دارائی
- ۳ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر کشور
- ۴ - شور در مواد لایحه قانونی متمم بودجه سال ۱۳۲۱ تاماده پنجم
- ۵ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس سه ربع ساعت پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید )

صورت مجلس روز سوم شهریور ماه را آقای (طوسی) منشی خواندند

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری ایست . آقای شاهرودی شاهرودی - بنده را غایب بدون اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده تقاضای اجازه کرده ام تا امروز هم امتداد داشته خواستم تذکر بدهم اصلاح کنند .

رئیس - آقای طوسی .

طوسی - عده ای از آقایان دیگر هم که بنظرشان رسید و اینجا قرائت شد همینطور بی اجازه خوانده شد . علت هم

این بوده است که کمیسیون عرایض و مرخصی که اخیراً انتخاب شده است هنوز این مرخصی ها بکمیسیون برفته است بعد از اینکه بکمیسیون رفت اصلاح میشود . رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای وزیر دارائی فرمایشی دارید ؟

### ۲ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دارائی

وزیر دارائی ( آقای باقر کاظمی ) - نظر با اهمیت امر خواربار و علاقه ای که تمام مملکت و حکومت فعلی باین

عین مذاکرات مشروح هشتماد و سومین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری . ( مطابق ۱۱۱۵ آذر ماه ۱۳۰۵ )

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

- غائبین با اجازه - آقایان : طاطمی - مکرّم افشار .
- غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر سهیمی - تولیت - دکتر ضیاء - طباطبائی - شهردوست - فرخ - دکتر تاج بخش - شاهرودی - مشار - اکبر - ع . پاپیری - مره تاش - ه . پاپیری - دبستانی - آصف - ربیعی - دکتر ادهم - خسرو شاهی - صادق وزیری - مقدم - شهابنک - دکتر نفیسی - مستشار - کامل ماکو .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : یزدین اسفندیاری - نیکپور - بوداییان .

موضوع دارد مناسب دانسته شد که متخصصی که اطلاعات و تجربیات کافی از این کار مخصوصاً در امر جیره بندی داشته باشد استخدام بشود و در نظر گرفته شد که از امریکا این شخص آورده شود و پس از مطالعات و تبادل تلگرافات و اینها شخص مناسبی در نظر گرفته شد حالا لایحه استخدام او را تقدیم مجلس میکنم. (صحیح است بسیار خوب).

**رئیس - آقای وزیر کشور فرمایشی دارند؟**  
**۳۱ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر کشور**  
**وزیر کشور -** برای اداره کل شهربانی هم چون مدتی است مذاکره شده بود که یک نفر مشاور فنی استخدام شود مطالعات و تلگرافاتی شده و بالاخره یک نفری که پانزده سال در امریکا اداره شهربانیها کار کرده و در شهربانی های مهم آنجا از قبیل شیکاگو کار کرده قرار شده است برای شهربانی استخدام شود لایحه استخدام او را تقدیم مجلس شورای ملی میکنم.

**۴۱ - شور در مواد لایحه قانونی متمم بودجه**

**سال ۱۳۳۱ تا ماده پنجم**

**رئیس -** لایحه متمم بودجه مطرح است آقایانی که اجازه خواسته اند آقای ملک مدنی (گفته شد نیستند) آقای مخبر فرهمند.

**مخبر فرهمند -** عرض کنم بطوری که در جلسه قبل بعضی از آقایان راجع بقانون متمم بودجه اظهار فرمودند تنظیم این لایحه بنظر بنده هم همچو مناسب نیست پس از نقطه نظر قانونگذاری تناسبی ندارد برای اینکه ملاحظه بفرمائید برای هر احتیاجی و هر قانونی هر وزارتخانه یک قانون خاصی بمجلس شورای ملی میآورد تحت یک موادی و بیک کمیسیون خاص مراجعه میشود و مشورت میشود شور اول و دوم پیدا میکنند به مجلس شورای ملی میآید و تصویب میشود. اینجاست در این متمم بودجه که چند سال است و سابقه زیاد هم نداشته است چند سال است که متمم بودجه درست شده است و هر سال موادی بر آن اضافه شده است که امسال رسیده است به پنجاه و چند ماده و اگر جلوش گرفته نشود بنده تصور میکنم سالهای بعد به مواد خیلی

دارد که بایستی تحت یک شرایطی موادش به مجلس بیاید. اینجا نوشته شده است فلان مستخدم که مطابق فلان قانون استخدام شده است استخدام او تمدید میشود بنظر بنده ما اگر بخواهیم کار را سهل کنیم برای سهولت کار که دیگر این عبارات قانون استخدام لازم نیست و اگر موضوع دیگری است که بنده مستحضر نیستم مثلاً یکی از مواد مربوط به بازنشستگان است برای اینها در آن قانون افزایش یک صدی نیست و پنج قائل شدند و تا کنون برای همین قانون متمم بودجه که الان پنج ماه است از سال میگذرد شش ماه است از سال میگذرد هنوز نتوانسته اند از آن محل کمکی که بآنها باید بشود استفاده نکنند و این صدی یک و نیم را از آنجا گرفته اند ولی آن صدی بیست و پنج را بآنها نداده اند اگر این قانون را در اول سال در یک لایحه جدا گانه آورده بودند تا کنون گذشته بود و آنها هم استفاده میکردند و حالا عمل گذشته است که بایستی بعد از این رعایت بشود که هر کاری در جای خودش و به موقع خودش صورت بگیرد (صحیح است)

**مخبر کمیسیون بودجه (آقای اعتبار) -** اشکالی را

که آقای مخبر فرهمند فرمودند در جلسه قبل آقایان دیگر هم فرمودند بنده هم جواب عرض کردم از سالی که این کشور دارای یک بودجه ای شده است قانون متمم بودجه از همان سال معمول شده است البته بنسبت سنوات عادی هر قدر بودجه بیشتر و سرعت پیدا کرده است قانون متمم بودجه هم موادش بیشتر شده است یعنی دولت در عمل احتیاجات را بیشتر احساس کرده و موادی برای پیشرفت بودجه و عملی کردن بودجه به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرده و در هر حال یک چیز او و تازه ای نیست که در این سال یا سال پیش آمده باشد از سال ۱۳۰۴ قانون متمم بودجه در مجلس شورای ملی مورد توجه شده و بحث شده و سنوات عادی هم همیشه بعد از تصویب بودجه قانون متمم بودجه به مجلس میآمده است البته هر سال هم یک مواد بیشتری را نوشته اند و این هم البته از نظر احتیاجات امسال مورد لزوم است بنده آن مواد را هم عرض کردم اساساً اشکالها از اینک آیا قانون متمم بودجه یعنی

یک احتیاجات و واقعه ای که در بودجه ها باشد باینصورت بیآورند یا یک قوانین خاصی بیآورند بنظر بنده وارد نیست و اساساً این چه اشکالی است که میکنند بنظر بنده اگر این قوانین فقط به کمیسیون می آمد و مجلس شورای ملی هم در آن وارد نبود اشکال شاید تا حدی وارد بود ولی در هر صورت این قانونی که نظر آقایان فرهمند و سایر آقایان است آن هم به مجلس شورای ملی بایستی می آمد و در مجلس شورای ملی بحث میشد ولی این موادی هم که میفرمایند بهتر این بود بطوریکه مواد مخصوص و قانون خاصی به مجلس بیاید این هم به مجلس آمده است بنظر بنده هیچ تفاوت ندارد و مورد بحث واقع میشد تفاوتش این است که شاید آن طوری شده و این اینطوری میشود و البته اگر آقای فرهمند ملاحظه بفرمایند اینها قوانین خاصی نیست که ابتکار و بنی داشته باشد اینها فقط تکمیل یا تنقید میکنند آن قوانینی را که ما الان در جریان داریم همینطوری که خود آقایان فرمودند موضوع اصلاح قانون افزایش حقوق است که یک قانونی گذشته است و در عمل دچار یک اشکالی شده که این اشکال را در این قانون متمم بودجه رفع کرده اند و بنظر بنده این رویه رویه بدی نیست. راجع بموادی که فرمودید بقوت خودش باقی است البته هر یک از اینها را که توضیح داده ام و خدمت شما عرض میکنم اینها یک موادی است که از نظر بودجه ای هر سال باید باشد یک قسمت مربوط باشد است مطابق قانون محاسبات مقید است که اشل هر سال در قانون متمم بودجه معلوم بشود البته این را در هر سال ما باید در قانون متمم بودجه اشاره کنیم و الا هر سال بگوئیم که اشل قانون استخدام کشور ۳۲ تومان است یا اینکسه مال استخدام قضات فلان مبلغ است این را اینطور بنظر رسید که بگوئیم آن مواد همه بقوت خودش باقی است این است که بنظر بنده اشکالی ندارد و بهتر است از اینکسه عین مواد را اینجا بگذاریم. و موضوع استخدام خارجی را هم که فرمودید آنها هم همین حال را دارد استخدام خارجی البته با آن قوانینی که ما برای استخدام مستخدمین خارجی داریم اصولش در مجلس

شورای ملی تصویب شده است همین وضع را دارد این يك مستخدم تازه ای نیست يك مردی است كه سالها است در خدمت دولت است و الآن هم هست منتها چون مدت قانونیش تمام شده خواسته اند از نظر قانونی آن مدت را تمدید بكنند و تأیید بكنند حالا برای این يك لایحه بخصوص به مجلس ملی بیاید یا اینکه در ضمن قانون متمم بودجه بیاید آیا يك تفاوتهاى خواهی داشت بنده كه این تفاوت را نفهمیدم جز اینکه البته يكقدری بیشتر تسریع میشود و يكقدری بیشتر از حيث وقت ما استفاده كنیم فرق دیگری نخواهد داشت

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات كافی است

**رئیس** - رأی گرفته میشود برود در شورمواد آقایان موافقین برخیزند. (اكثر برخاستند) تصویب شد

**مخبر** - اجازه میفرمائید؟ ماده اول را دولت چون مشغول مطالعه است بگذاریم برای بعد از ماده دوم شروع كنیم  
**رئیس** - ماده دوم

**ماده دوم** - وزارت كشاورزی مجاز است بدون رعایت تشریفات مزایده در فروش نهال و بذور مطابق بهائی كه از لحاظ بسط امور كشاورزی تشخیص میدهد بکشاورزان و مالكین فروخته و همچنین در صورت لزوم بطور رایگان بآنها بدهد.

**رئیس** - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - موافقم

**رئیس** - آقای دهستانی

**دهستانی** - موافقم

**صوفی** - همه موافقند کسی مخالف نیست

**افشار** - صحیح است

**رئیس** - رأی می گیریم بماده دوم موافقین برخیزند (اكثر برخاستند) تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود

**وزیر كشاورزی** (آقای عدل) - اجازه میفرمائید؟ چون راجع به تملیكات وزارت كشاورزی يك لایحه قانونی مخصوص تهیه و تقدیم خواهد شد این است كه ماده سوم را بنده پس میگیرم و بعد لایحه اش را تقدیم میكنم

پنج تومان خودش بفروشد تصدیق بفرمائید این البته اطمه میزند به محصول چای ولی خیلی خوشوقت میشدم آقای وزیر كشاورزی در این باب اقداماتی بكنند بلکه تولید چای در داخله در آینده نزدیکی ما را بكلی از چای خارجه بی نیاز بكنند و این نمیشود مگر اینکه یا فرض به كشاورزان آن بواحی بدهیم و اراضی كه در آنها افتاده آنها را تبدیل به باغ چای بكنیم امروز از خیلی قسمت ها ما بی نیازیم احتیاج ما كمتر است یعنی امروزه نیازمند بخارجه نیستیم این را میل داشتیم در این مورد يك توجهی آقای وزیر كشاورزی با اطلاعاتی كه من معتقدم در این مورد دارند بالنسبه بیاغ دارهای چای بفرمایند.

**رئیس** - آقای طالش خان.

**طالش خان** - فرمایشی كه آقای روحی فرمودند صحیح است بنده فقط يك استدعا دارم دولت مزاحمت ندهد گذشتیم از آن مساعدت ها آقا اینها مزاحم هستند از روزی كه این كار شروع شده فقط دولت مزاحمت کرده است استدعا این است كه مزاحمت نشود.

**وزیر كشاورزی** - آقای طالش خان فرمودند كه دولت برای چای كاری مزاحمت تولید کرده (طالش خان - چندین سال است) بهترین دلیلی برای رد فرمایشاتشان این است كه در این چند ساله اخیر چای كاری كه دوپست هكتار بود رسیده است به چهار هزار هكتار یعنی بیست برابر شده (طالش خان - بیشتر میشد) بنده تصور میكنم كه اگر يك مختصر اشكال برای آنها میشد این اندازه ترقی و توسعه حاصل نمیکرد. دولت برای ترقی چای كاری همینطور كه آقای روحی فرمودند اقدامات زیادی كرد منجمله خزانه های زیادی كرد سالی دو میلیون و سه میلیون اش اضافه میكنند و میدهد بزراع چای و اگر نقصی و اشكالی در كار هست در بازرسی چای هست برای اینکه چای نامرغوب بیاید ببازار اغلب آنهاى كه چای شان را با دست تهیه میكنند جنس نامرغوبی تهیه میكنند كه در موقع بازرسی اگر جنس سوخته است ما اجازه امیدهیم بیاید ببازار و این اشكال راجع بكار

خودشان است و این وام هم برای راه انداختن كارخانه هاى است كه در شهرستان شهسوار - قلمه كردن - بی بالان - كلار آباد دشت كلايه هست و اینها را خواستیم بصورت بهره برداری در بیاوریم و این وام را از بانك كشاورزی میگیریم كه بتدریج بهشان پس بدهیم.

**رئیس** - موافقین با ماده چهارم برخیزند (اكثر برخاستند) تصویب شد. ماده پنجم:

**ماده پنجم** - دولت مجاز است هر يك از كارخانه ها و بنگاههای معدنی و صنعتی و بازرگانی و كشاورزی خود را كه مقتضی بداند طبق اصول بازرگانی اداره و بهره برداری نماید. مقررات اداری و استخدامی و مالی كه برای تأمین این مقصود لازم باشد بموجب آئین نامه هاى كه با موافقت وزارت دارائى بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید تعیین خواهد گردید. هر يك از كارخانه های وزارت جنگ نیز كه بمناسبت جنبه عمومی آن دولت مصلحت می بیند بهمین طریق اداره شده و در صورت لزوم دریافت تا مبلغ ده میلیون ریال برای سرمایه بهره برداری این كارخانه ها از بانكهای دولتی مجاز است. ترازنامه سالیانه و حساب سود و زیان كارخانه های مذکور باید تا آخر شهریور ماه سال بعد تنظیم و برای تفریغ حساب به هیئت وزیران پیشنهاد شود.

**رئیس** - آقای نقابت.

**نقابت** - استدعا میكنم آقایان توجه بفرمایند كه این ماده يك اهمیت موضوعی دارد و آن این است كه در نظر بود بنگاههای دولتی و كارخانه های دولتی بصورت بازرگانی اداره شود تا حالا كارخانه های دولتی كه تاسیس میشد میكفتند بصورت مدل و امواته است بهمین جهت ما میخواهیم بهترین كارخانه های را داشته باشیم ولو اینکه دخل و خرجش تعادل كند و بهمین مناسبت وقتی كه در كارخانه های پدشه و هنر نگاه میكنیم می بینیم كه امروز خرج زیادتر از دخل است و بعد جواب میدهند ما مجبور هستیم كه بخریج دولتی بفروشیم لهذا استفاده تجاری نمیكنیم. این ماده اجازه داده است كه كلیه كارخانه های طبق اصول بازرگانی اداره و بهره برداری

شود طبق اصول بازرگانی بهره برداری بشود آخر بازرگان اصول تجارت را آزاد میکنند یعنی وقتی که خرجی کرد برای تأسیس يك كارخانه جمع آن مخارج را معین میکنند روی محصول آن كارخانه میکشد و حساست میکنند - اگر يك قالب صابون در كارخانه دولتی ایران درآمد به چهار ریال از حیث مخارج ممکن است به پنج ریال بفروشد - ولی بازرگان این کار را نمیکند زیرا متاعش تابع عرضه و تقاضی است وقتی که دید زمیننه صابون خالی است و جنس مشتری زیاد تر دارد آوقت ممکن است به پنج ریال بفروشد به ده ریال بفروشد یا به پانزده ریال بفروشد بنا بر این ترتیبی که دولت میکند در فروش محصول کارخانجات خودش باعث میشود که وضع کارخانجات و بنسگاههای ملی بکلی بهم بخورد زیر سرمایه بیشتر است دولت هست قدرت بیشتر هم دست دولت است علاوه بر این دو عنصر آزادی کامل هم دارد زیرا طبق اصول بازرگانی مطابق این ماده بهره برداری میکنند بنا بر قانون عرضه و تقاضی جنس را به عرض فروش میکند و اگر خاطر آقایان باشد در چند ماه قبل يك قانونی اینجا تصویب شد که هیچيك از کارخانجات نمیتوانند زیاده بر صدی دوازده منفعت ببرند این حرف اینجا له و تملیه بسیار داشت بالاخره آقایان رای دادند بر اینکه منافع کارخانجات صدی دوازده باشد حالا کم است یا زیاد است بنده در این موضوع حرفی ندارم چون وارد نیستم در آن اصول بحث ندارم الا اینکه اگر دولت هم بخواهد کارخانجات خودش را بر طبق اصول بازرگانی اداره بکنند باید دولت هم بیشتر از صدی دوازده بهره بردارد اگر دولت را آزاد گذاشتیم که از صدی دوازده بیشتر سود ببرد نتیجه این میشود که جنس دولتی رقابت میکند با جنس ملی و بکلی از بین میرود اگر رقابت هم نکند بالاخره محدودیت مردم ایجاد این ضرر را میکند چون در اینجا تصویب شد که بنسگاههای ملی از ۱۲٪ استفاده بیشتر نکنند در اینجا فقط اجازه داده شده است طبق اصول بازرگانی بهره برداری بکنند یعنی آزادند بهمین جهت بنده پیشنهادی هم تقدیم کردم در این ماده که دولت هم از این کارخانجات

بیش از ۱۲٪ استفاده نکنند البته مخارج مستخدم و مالیات و سایر چیزها را مثل يك بنسگاه عمومی حساب میکنند و بعد کسر میکنند از آن سود و بژة که در آورده میشود یعنی بیش از ۱۲٪ نباید استفاده بکنند تا تعادلی بین کارخانه دولتی و يك كارخانه ملی ایجاد نشود و باعث خرابی آنها نشود .  
**سمیه** - خرجش زیاد تر است .  
**لقابت** - بازرگانی است نه دولتی .  
**وزیر پیشه و هنر و بازرگانی ( هژیر )** - بنده فقط خواستم يك توضیحی عرض کنم چون آقای نقابت مخالفتی با اینکه کارخانه ها مطابق اصول بازرگانی بهره برداری و اداره شوند فرمودند تا بنده در آن باب و در باب ضرورت اینکار عرض بکنم گویا يك تردیدی در باب بهره برداری برای ایشان حاصل شده بود خواستم در این باب توضیح بدهم آقای نقابت گویا تصور میفرمایند بازرگان یعنی کسی که هر چه تیغش می برد بگیرد این را که در دنیای متمدن بازرگان مرتب و عادی کسی گویند البته بازرگان و تاجر متخصص در دنیا عنوان خاصی دارد نه اینطور مردمی که میخواهند از بی نوائی یا عسرت و بیچارگی و زحمت مردم استفاده بکنند . بازرگان حسابی البته آن کسی است که مطابق مثال که بازرگانان که گفته اند که دود داریم بهتر از يك ده يك است بتواند این عمل تجارتهی اش را انجام بدهد و جنس را هم معطل نکند و اگر کسی هم خواست استفاده کنند از موقع و جنس را گران بفروشد و سوء استفاده از تجارتش بکند البته این شخص بازرگان نیست و این کسی است که خواسته است از موقعیت برای کسی و حرفه خودش سوء استفاده بکند بنا بر این بطور کلی این کلمه بازرگانی که گفته شد در اینجا منظور اینطور نیست که دولت باید کارخانه ها را يك طوری اداره بکند که هر چه بتواند از مردم پول بگیرد این مقصود دولت نیست مقصود يك امر دیگری است که حالا عرض میکنم البته ذهن آقایان روشن بوده است و عرض بنده هم فرمایشات آقایان را تأیید خواهد کرد کارخانجات ایران بصورت يك بنسگاه دولتی تأسیس شد تا

امروز هم بصورت يك مؤسسه دولتی اداره میشود یعنی وزارت دارائی بر حسب وظیفه که از حیث دخل و خرج مملکت دارد تمام مقررات معمولی و قوانین مالی را از قبیل قانون محاسبات عمومی و اصول مزایده و مناقصه طرز استفاده رعایت مقررات بازنشستگی موضوع استخدام کنترانی یا فرادادی یا بالاخره رسمی هر چه هست تمام اینها را میخواهد در وضع کارخانه های دولت دخالت بدهد و این البته از يك حیث شاید مفید است یعنی یکسان و يك نهج میکنند تمام وضع مستخدمین مملکت را اعم از اینکه در کارخانه کار کنند یا در اداره ولی البته آقایان تصدیق میفرمایند وقتی يك كارخانه باین طول و تفصیل درآمد اداره کردن آن مشکل است و اطمینانی به حسن نتیجه اش نخواهد بود مثل اینکه یکی دو تا امتحان کردند در باب بانکها و البته نتیجه بهتر بود از وقتی که بانک ملی در این جا بنشاند و بموجب يك مقررات خاصی شروع بکار کردیم از حیث سرعت و نظم و ترتیب کار حسن نتیجه اش بهتر بود طرز کارش تا اینکه بترتیب اداری بخواهد اداره شود بالاخره امروز نظر دولت بر این شده است که اگر در طرز اداره کارخانجات هم همان نظری را که بطور کلی نسبت ببنانک ها گرفته شده بود رعایت بکنند نتیجه بهتر خواهد بود اما راجع به بازرگانی يك نظر دیگری هم که بود این است که آقایانی که متصدی و مسؤل این کارخانه ها میشوند تصور نکنند که خزانه دولت یعنی وجوه عمومی مملکت در اختیار آنها است یعنی هر چه میخواهند خرج بکنند زیرا بالعالم نتیجه از آنها پرسیده خواهد شد که چرا این جنس گران شده یا ارزان شده نه اینکه هیچ چیزی باشد و برسند باشد مقصود از این بوده است که يك كارخانه را با وسایل و اسباب و امتیازاتش بدست یک نفر مسؤل میسپارند و باید خودش را مسؤل بداند باید بداند که در طرز اداره اش چه مبلغ خرج میکند چقدر میفروشد چند نفر مستخدم بگیرد و بالاخره چقدر محصول بدست میآورد و چند میخواهد بفروشد روی آن عمل يك ساله خودش باید ترانامه بدهد و ترانامه او میرود به هیئت مدیره و هیئت مدیره از نظر بهبودی

اوضاع کارخانه دقتهای زیادی خواهد کرد در حال مقصود ما این است که با مخارج کمتری يك محصول بیشتری بدست آورده باشیم یا اینکه با همان مخارج يك استفاده بیشتری کرده باشیم مقصود اساسی ما از این کار اینست . اما راجع به موضوع دیگری که فرمودند تصور نفرمائید که دولت علاوه بر دوازده در صدی که بموجب قانون معین شده سودی بردارد زیرا آن قانون صدی ۱۲ عموم دارد و کلیت دارد اصلاً مربوط به کارخانجات ملی نیست آن قانونی که نوشته شده است اعم است از کارخانجات دولتی و ملی دولت اگر چنانچه از ۱۲٪ کمتر استفاده نکند البته دلیلی ندارد که بخواهد بیشتر استفاده کند البته خاطر آقایان مسبق است آروزی که این ماده مطرح شد آقای وزیر دارائی وقت حضور داشتند و بنده هم گفتم و مجلس شورای ملی هم تصویب نمودند که این قانون نسبت بکارخانه های دولتی و غیر دولتی همه یکسان اجرا خواهد شد بنا بر این اصل مقصود آقا حاصل است  
**رئیس** - آقای سزاوار .  
**سزاوار** - بنده در اصل ماده عرضی ندارم فقط عرض بنده نسبت به قسمت اخیر این ماده است که نوشته شده است هر يك از کارخانهای وزارت جنگ نیز که بمناسبت جنبه عمومی آن دولت مصاحبت می بینند بهمین طریق اداره شده و در صورت لزوم ده میلیون ریال بآنها داده میشود برای سرمایه و بهره برداری بنظر من نمیرسد که فرضاً اگر يك كارخانه هائی وزارت جنگ دارد و زائد بر احتیاجات خودش باشد میتواند از سرمایه بهره برداری آنها استفاده بکند توضیح بدهند که این کارخانه چه جور کارخانه هائی است ؟  
**وزیر بازرگانی و پیشه و هنر** - کارخانجاتی که وزارت جنگ در عرض این مدت تأسیس کرده بود دو نوع است يك نوع کارخانه ایست که اختصاصاً مربوط برفع حوائج ارتش است یعنی هیچ نوع استفاده عمومی تصور نمیشود که بشود از آن کارخانه ها کرد البته مثل نوع کارخانه جات مهمات سازی که هر چه هست مشغول این کار است مقصود این بود آن کارخانه ها که کما کلف در تحت نظر وزارت جنگ باشد

و بر طبق مصالح ارتش و احتیاجات روز برای دولت عمل بکنند ولی مقصود از قسمت دوم این ماده این است که بعضی از کارخانه ها هست مثلاً مثل کارخانه هائی که مس را مبدل میکنند به سیم این یک چیزی است که مورد احتیاج تام و تمام وزارت خانه ها نیست ممکن است وزارت جنگ احتیاج به سیم داشته باشد سایر وزارتخانه ها هم احتیاج داشته باشند بسیم یا کارخانه برنج البته برنج هم مورد احتیاج ارتش است ولی چیزی نیست که منحصرأ مورد احتیاج ارتش باشد پس مقصود عمده قسمت دوم آن ماده این است که البته وزارت جنگ این کارخانه را که وارد کرده برای رفع حوائج امروزه خودش دارد امامیزان محصولی را که ممکن است زائد بر احتیاجات خودش باشد آنها را بصورت بازرگانی اداره کند که مردم هم بتوانند استفاده بکنند اما راجع به آن مبلغ ده میلیون ریال این جا بصورت تنخواه گردان خواهد بود که چون صورت بازرگانی داده شده بود این یک قرضی بکارخانه داده شد که در آخر سال بتواند دین و طلبش را بریزد و قرضش را بر گرداند.

رئیس - آقای فرمانفرمایان

**فرمانفرمایان** - بنده اصولاً قبل از طرح مواد این قانون اظهاراتی عرض کردم حالا که وارد مواد شدیم همان اشکالی که بنده فعلاً عرض می کردم در این جا هم وارد است و گمان میکنم خاطر آقایان متوجه است منجمله از ایراداتی که بنده می گرفتم در قسمت کارخانه است مثلاً این کارخانجات بجای اینکه دولت این کارخانجات را در تحت یک قوانین مرتبی اداره کند دولت اصلاً مثل این است که تکلیف خودش را نمی داند و مردد است که آیا کارخانه ها باید باین طرز اداره بکنند یا بطرز دیگری اداره بکنند مثلاً فرض بفرمائید برای کارخانه خشک کردن چائی و برک چای و چای سازی می آیند و در سه سطر در یکی از مواد یک اجازه بخواهند که یک وجهی بوزارت کشاورزی داده شود که آنها را اداره بکنند کارخانه بالاخره کارخانه است آقا چه میخواهد کارخانه قند باشد یا کارخانه ریسمان بافی یا چیت سازی

باشد اینها چه میخواهند؟ بالاخره بمقیده بنده اینها باید در تحت یک اصول منظمی در بیاید که معلوم شود که مسئول این کارخانجات کیست دخل و خرج آنها چیست وضعیت اینها چیست بالاخره باید دارای یک تشکیلات و وضعیت معین و روشن باشد و فعلاً با این قسمت باین مختصری گنجاندن این قبیل مسائل در تحت یک ماده از قانون متمم بودجه مملکتی موضوع ندارد آقا در صورتیکه آروز هم بنده عرض کردم مخالف هستم با این طرز و این طرز طرز اساسی و طرز قانونی و طرز صحیح نیست بنده این طرز را غلط میدانم آقای وزیر پیشه و هنر مثلاً آن یک توضیحاتی دادند اینجا و میفرمایند که اگر مثلاً وزارت دارائی دخالت بکند و با این بصورت منافعه و مزایده در بیاید کارخانه مثلاً یک چور دیگری میچرخد و درست در می آید از آب یا اینکه تمام اعتبارات هم در بانکها باز باشد برایشان باز در آخر کار هم ما می بینیم کارخانجات دولتی متضرر شده اند و بضرر عمل کرده اند بنده عرض میکنم بمقیده خودم که هم در خارج شنیده ام و هم آقایان شنیده اند و مکرر بنده شنیدم که این کارخانه حریری که در چالوس است و آن کارخانه چیت که در محل دیگری از ایران است شنیدم غالباً یک اشخاصی مکرر آمده اند پیشنهاد کردند به وزارت بازرگانی به وزارت مالیه بدولت که ما حاضریم این کارخانه ها را بمانا واگذار کنیم مثلاً در عوض ده هزار متر چیت که از اینجا خارج میشود ما پنجاه هزار متر چیت مثلاً خارج میکنیم و عرض میکنم قیمتش را هم با موافقت نظر خود وزارت پیشه و هنر و دولت یک قیمت مقطعی میگذاریم ولی هیچکدام از اینها نمیشود و در عمل ما می شنویم و می بینیم از فرآورده های شان می بینیم از محصولات شان می بینیم که انواع و اقسام نواقصی دارد و انواع و اقسام تبعیضات قابل میشود و استفاده های نامشروع بعمل می آید بنده عرض میکنم اصلاً خود وزارت پیشه و هنر نمیداند بچه طور باید محصولات کارخانه ها را بیرون بدهد و وضعیت کارخانجات چه جور بمرض استفاده دولت و مردم قرار بگیرد و نمیداند

بچه طرزى باید محصولات کارخانجات را بمیدان عرضه و تقاضا بگذارند اصلاً وارد نیستند در این امر این است که بنده عرض کردم و اول هم عرض کردم در این قانون یک مجموعه ایست که شامل همه چیز است شامل قانون کارخانجات است راجع بآبیاری دارد راجع بچایکاری دارد راجع بفلاحت دارد راجع بکارخانجات هست ولی همه بصورت ناقص و ما میگوئیم و اگر در عرض اینها راجع بکارخانجات مثلاً که یک ماده سه سطرى نوشته شده یک تصمیمی میگرفته و یک سیاستی در این باب داشته و بجای این لایحه بودجه ای که در اینجا برای تصویب آورده اند یک لایحه دیگری می آوردند و بحث میشد بهتر بود و الا یک ماده در قانون متمم بودجه نوشته و بعد در لایحه بودجه سال بعد هم یک تغییراتی در آن خواهد شد این پیدا است که این یک قضیه است روشن پیش خودشان که این تحت یک اصول و قواعدی در بیامده است هنوز با تصویب این ماده هم علی الاصل آن ایرادها بجای خودش باقی خواهد بود اینک مثل آوردن مثلاً بانک ملی یک بنکاه مستقلی است و جریان کارش نظام دارد و مرتب است و در گردش و کار خودش کمک میکند ولی در عوض مثلاً بنکاهای دیگری هم هست مثلاً بنکاه بانک فلاحتی که یکی از بنکاهائی است که طرف احتیاج عمومی است و فوق العاده مفید و مؤثر است این بنکاه فلاحتی را بنده خودم می بینم و در خارج مشاهده نظارت میکنم در عرض یک سال سه دفعه مدیر عوض میکنند زیرا این بنکاه فلاحتی در تحت امر و نهی وزارت دارائی است و وزارت دارائی با اراده خودش هر تصمیمی که میخواهد بمیل خودش بگیرد برای فلان عضو محاسبات دارائی یا فلان چیز بگیرد برای فلان عضو بانک فلاحتی هم بگیرد هیچ نوع رادع و مانعی هم نیست در صورتیکه بنده باز هم این را تکرار میکنم که این تشکیلات تماماً محتاج به یک قوانین خاصی است یک قانون مخصوصی باید برای این کارها بیاید والا تمام اینها را در تحت ماده ۵۳ بعنوان متمم بودجه گنجاندن بمقیده بنده یک کار غلطی است یک اشکالی است غلطی است و تمام نتیجه ای

که گرفته میشود از نشو و جو جریان خواهد بود از این نقطه نظر است که بنده مخالف هستم.

**وزیر بازرگانی و پیشه و هنر** - بنده تصور میکنم که اگر اشکالاتی از حیث طرح این مواد و این لایحه در مجلس شورای ملی برای حضرت والا و چند نفر دیگر از آقایان پیش آمده است برای کسی که مثل بنده که در مجلس او چرخ و تازگه کار هستم پیش می آید بجا بود ولی آقایان که الحمدلله اغلب این قوانین را خودتان تصویب فرمودید و بنظر بنده قانوناً طرز جریانی که پیش می آید در مجلس نسبت بلوا بیک صورت ندارد بلکه در حدود مقررات و نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی طرق مختلفی پیشنهاد شده برای طرح و تصویب لوایح و قوانین و یا یک ماده که در مجلس شورای ملی پیشنهاد میشود. یک لایحه قانونی وقتی که بمجلس شورای ملی پیشنهاد شد عادتاً دو شور در مجلس شورای ملی دارد دو شور هم در کمیسیون میشود یعنی بنا بر این است ولی یک ماده از مقررات خود مجلس شورای ملی اجازه داده است که گاهی هم این لایحه دو شوری میشود یک شوری البته بنا بر مقتضیات و صلاح وقت یعنی این مقررات اصلی و کلی را که برای عموم در نظر گرفته است مجلس شورای ملی در این مورد خود مجلس شورای ملی تصدیق و تصویب می کند که رعایتش ضرورت ندارد یک وقت از این هم جلو تر میرود یعنی میگویند فی المجلس با عنوان دو فوریت مورد مذاکره قرار بگیرد در این مورد هم اگر لایحه تصویب شد از حیث قوت و اعتبار قانونی با همان قانونی که دو شوری بوده است مساوی و یکسان است و او اینکه شور کمیسیون درش نشده است (صحیح است) بنا بر این تصدیق می فرمائید که نمیشود گفت برای گذراندن قوانین فقط یک راه هست و بس. اینک میفرمائید لوایح مختلف بیاورند اگر مقصودشان این است که برای هر یک مطلبی که پیش می آید و او جزئی هم باشد یک رشته مواد و یک سلسله مواد تهیه کنند و بیاورند تقدیم مجلس شورای ملی بکنند که این وقت آقایان را بدون جهت خواهد گرفت و بنده نمیدانم که اگر ضرورت ندارد چه فائده خواهد داشت.

می فرمائید دولت هر وقت احساس کرده است که احتیاج بیک قانونی دارد این را گذاشته است جزو قانون متمم بودجه بنده هر چه فکر می کردم می بینم مانعی برای اینکار نیست قانون متمم بودجه قانونی است برای یکسال خودش اسمش رویش است الی الابد که تلقی نمی شود یک قوانینی است دائمی است یعنی هیچ مدتی ندارد مگر وقتی که بیایند و نسخ آنرا از مجلس شورای ملی بخواهند و نسخ شود یک وقتی است که یک قانونی برای یک دوره معینی است برای مدت معینی است برای چند ماه است برای یکسال است. در قانونی که در همین مجلس تصویب فرمودید اختیاراتی بدولت داده شد راجع بارزاق و وسائل نقلیه قید فرمودید خودتان که این قانون تا فلان تاریخ معتبر است بنا بر این قانون متمم بودجه هم یک قانونی است که برای مدت محدودی از زمان معتبر است و دولت هم اشکالاتی ندارد مواردی را که چهار اشکال میشود بگذارد در قانون متمم بودجه و آقایان اگر تصویب فرمودند تصویب اجرای یک قانونی است برای یکسال. آقای مخبر فرموند فرمودند که در قانون متمم بودجه بعضی مواد هست که در چندین سال پیش گذشته و بالآخره باز هم به همان صورت مانده و در اینجا گنجانده شده است. بعقیده بنده این بهترین راهی بوده است که دولت دیده است چون هنوز آن موجهایی که باعث پیشنهاد و تصویب این ماده یا این قانون شده است بحال خودش باقی است باز با آقایان مراجعه میکنند و خواهش میکنند که اگر موافقت نکنند یکسال دیگر هم دوام پیدا کند. بنا بر این این مطلب که این طرز گذاردن قانون یک طرز بدی است برای بنده مجهول است. زیرا این یک ترتیب تجربی است که می بینند فلان ماده یکسال. هنوز لازم الرعایه و لازم الاجراست اگر خوب شد دوام میدهند اگر بد شد که دیگر دوامش میدهند یعنی اگر آقایان تصویب نکردند دولت تغییرش خواهد داد و از اعتبار خودش می افتد موضوع دیگری که بنظر بنده مفید است اینست که آقایان هم مثل دولت فرصت خواهند داشت به بینند یک ماده قانون که در قانون متمم بودجه گذاشته شده است آیا مفید بوده یا نه بوده است و در ضمن

عمل می بینند که اگر در جریان یکسال دیدند مفید بود که خوب ولی اگر بد بود تصویب نمیکنند حالا اگر باید یک قانون معمولی مثلاً راجع به این ماده پنج تقدیم بشود و تصویب بشود. فرض فرمائید که اگر دوشوری هم نباشد یعنی اصلاً بکمسیون هم نرود و فی المجلس هم تصویب شود باز بدیهی است که برای یکسال است و دولت نجر به میکنند آقایان هم ملاحظه میفرمایند اگر خوب بود یکسال بعد وقتی لایحه آن تقدیم شد تأیید میفرمائید و اگر بد بود خوب نشده بود یکسال دیگر میفرمایند که نتیجه اش خوب نشد و ما هم ول می کنیم پس فرقی نمیکنند و بنظر بنده این چیزیکه بنظر آقایان غیر عادی رسیده است نه فقط عادی است بلکه اصلاً مفید هم خواهد بود از بعضی جهات. اما راجع باصل موضوع کارخانجات که فرمودند بنده خیال نمی کنم نه بنده و نه هیچ وزیر پیشه و هنری و نه هیچکس در دنیا بتواند بگوید که این طرز عملی که من شروع کرده ام یا این طرز عملی که در سابق بوده است این بهترین طرز عمل است و هیچ عیب و علتی هم درش نیست و باید تا آخر دنیا هم بهمین صورت بماند البته هیچ همچو چیزی نمیشود. میفرمایند وزارت پیشه و هنر نمیداند چه میخواهد بکند. آن کار را که میخواسته است و میتواند است کرده است ولی آن کار را که نمیتوانسته و نمی دانسته است که بطور کامل انجام دهد. امروز هم نمیتوانم هیچکس هم در دنیا نخواهد دانست و بیشتر هم اگر عرض کنم هر دولت و هر ملت و هر دسته اگر معتقد شد باینکه آنچه که دارد آن تمام و کامل بوده و هست و دیگر هیچ عیبی و هیچ نقصی ندارد آن روز روز وقوف و وقفه کار آن هیئت است همیشه اوقات باید یک عملی را کرد و متوجه این هم بود که ممکن است معایب و نواقص هم داشته باشد و باید بمعایب و نواقص هم توجه کرد و باید سعی کرد که آن نواقص رفع شود حالا سعی کردن در اینست که رفع شود محتاج بوضع بعضی قوانین است محتاج به تعیین خط مشی است که در نظر گرفته اند و بنظر بنده این عیب نیست. بنظر بنده این هیچ عیب نیست بلکه موجب ترقی و پیشرفت است و این ضرورت هم دارد

باید هم منظور بشود نباید وزارت پیشه و هنر یا هر وزارتخانه دیگری بگوید این چیزی را که ما امروز شروع کردیم چون امروز شروع کرده ایم باید تا قیامت هم باقی باشد خیر البته نواقصی خواهد داشت و باید بنظر بنده بهر وسیله هم میشود آنها را اصلاح بکنیم و یکی از آن اصلاحاتی که بنظر رسید همین طرز تشکیلاتی است که پیشنهاد شده است و خدمت آقایان هم خواستم عرض کنم که فرمودند از بانک فلاحی نتیجه خوب نگرفته ایم حتماً از این هم خوب گرفته نخواهد شد بنده عرض میکنم البته نتیجه خوب گرفته خواهد شد راجع بکارخانجات اصل مطلب این بود که دولت یک روزی برای ایجاد کارخانجات یک چیزی از خزانه مملکت برداشت و آن روز اول اگر دولت میخواست بترتیب تجارتی که هر مؤسسه عمل میکنند این کارخانجات هم عمل بکنند مشکلاتی بر میخورد یعنی بایستی یک سرمایه بدهند و بچه ترتیب سفارش بدهند و دولت باید آنها را در نظر بگیرد که آن کارخانجات زیاد شود بالاخره امروز که مادارای یک کارخانه هائی هستیم که اینها امروز رفع یک رشته از احتیاجات مردم را میکنند اگر میفرمائید که اینجا نظریات هم مختلف است جای این کارخانجات تأسیس شده و بکار افتاده است اگر میفرمائید که چون فلان تاجر گفته است که این کارخانه را بمن بدهید و ما هم بدهیم بآن تاجر وقتی که این موضوع کارخانجات و در یک موقع دیگری در مجلس مطرح بود بنده اینطور استنباط کردم که نظر مجلس شورای ملی بالا اول نظر اکثریت نام مجلس شورای ملی در این قسمت کارخانه ها بر این بود که دولت کارخانه ها را بدست خودش اداره کند و خودش نگهدارد و فروشد (صحیح است) هر وقت آقایان تصویب فرمودند ما هم میفروшим ولی اگر نظر شخصی بنده را هم بخواهید عرض میکنم که در این گیرا کیر دنیا که تمام امور اقتصادی ملل خواه و ناخواه در دست دولتها افتاده است و آن چیز هائی را هم که ملت در دست داشته بدست دولت افتاده است بنده صلاح نمیدانم که کارخانجات از دست دولت خارج بشود (صحیح است) و البته از دست دادن این کارخانه ها تصور نمیکنم که بصلاح اقتصادی عامه مردم هم

باشد (صحیح است) باینجهت بود که گفتیم باقی باشد و سعی کنیم که باینک طرز بهتری اداره شود راجع بکارخانه حریر میفرمایند که یک روزی کارخانه حریر باقی وارد کردند این برای چه بوده؟ عرض میکنم مملکت ایران یکی از ممالکی است که مقدار زیادی پنبه در هر سال تربیت میکند متأسفانه بعد از اینکه ابریشم مصنوعی در دنیا اختراع شد قیمت ابریشم طبیعی در تمام ممالک دنیا افتاد و ترتیب کنندگان کرم ابریشم یک خسارت عمده دیدند و عده ای هم از بین رفته حالا اگر میفرمائید که دولت بایست دست باینکار زده باشد بنده عرض میکنم دولت برای کمک تربیت کنندگان پنبه ابریشم ناچار بود اقدام کند و اینطور در نظر گرفت. برای اینکه ما بایستیم حریر را بقیمت گزاف از خارجه وارد کنیم. پنبه های خودمان را بگیرند و اینجا مصرف کنند هم یک عده کارگر در این کارخانه مشغول بکار شده باشند و پنبه های خودمان مصرف شود و از بین نرود و هم صاحبان پنبه و تربیت کنندگان کرم ابریشم بکار مشغول شوند حالا اگر میفرمائید ضرر کردند بنده هم قبول دارم یا میفرمائید که اگر یک فردی مثلاً خودش کارخانه وارد میکرد کمتر پول میداد بنده هم قبول دارم ولی دولت تصمیمی گسه میگردد از لحاظ صلاح عمومی مملکت است نه اینکه اگر تاجری پول خود را در راه پنبه مصرف می کرد بیشتر فایده میبرد و حالا هم ما در این کارخانه حریر باقی این عمل را بکنیم. بنا بر این اصل مقصود راجع بکارخانه حریر این بود که عرض کردم (صحیح است) و راجع باصل موضوع ماده ۵ هم بطوریکه عرض کردم مقصود ما بالفعل این است که هیئت هائی که برای اداره کردن کارخانجات تعیین میشوند کسانی باشند که اولاً برنامه عملشان قبل از حلول تعیین و تصویب شده باشد ثانیاً بودجه عملیات شان در ظرف سال تعیین شده باشد ثالثاً نتیجه عملشان را بصورت گزارشنامه آخر سال تقدیم کرده باشند که نتیجه عمل آنها معلوم شود. البته با همین ترتیب دوام خواهد کرد و اگر تصدیق نمیدانم ناچار خواهم بود بهمان ترتیبی که از پیش مقرر بوده است با رعایت تشریفات و

مقررات اداری که به هیچ وجه وفق نمیدهد با مقررات عمل و بهره برداری کارخانجات عمل کنیم.

رئیس - آقای بیات.

بیات - بنده يك پیشنهادی هم تهیه کرده بودم البته بنظر آقای وزیر پیشه و هنر هم خواهد رسید و منظورم این بود که کلیه کارخانجات و بنگاهها بهمین صورتی که تقاضا کردند یعنی بصورت بازرگانی در بیاید برای اینکه اساساً از این بنگاههای صنعتی و کشاورزی و کارخانه ها که دولت در دست دارد نظیر استفاده از قسمت کشاورزی یا قسمت بازرگانی آن است و مقصود این نیست که این کارخانجات یا این مؤسسات از بودجه دولت باشد الا آن وضعیت اینطور است که يك قسمت عمده از این بنگاهها جزء بودجه دولت و مملکت میآید و معلوم هم نیست که این بنگاهها و کارخانهها در سال چه میکنند و چقدر استفاده دارند و چقدر ضرر دارند و بودجه مملکت چقدر استفاده میسازند و بعقیده بنده تمام اینها باید معلوم شود تا هم مردم مطلع باشند و هم مجلس مطلع شود و هم دولت بداند که این کارخانجات در سال برای مملکت چه تأثیری دارند و بعقیده بنده تمام بنگاههای دولت و تمام کارخانجات دولتی که هست تمام باید باین صورتی که تقاضی کرده اند درآید و خود این مؤسسات باید دارای بودجه مخصوصی باشند یعنی جمع و خرج علیحده داشته باشند و در سال تعیین شود و بنظر عامه هم برسد و لازم نیست جزو بودجه مملکتی باشد بلکه باید جمع و خرج مخصوصی داشته باشد اگر چنانچه استفاده دارد که عمل خودش را کرده است اگر چنانچه مؤسسه ای باشد که برای مملکت فایده نداشته باشد آن را باید البته مطالعه بکنند اگر يك وقتی احتیاج دارند که برای بهره برداری کمی بشود از طرف دولت باید با اطلاع مجلس شورای ملی - دولت هم بداند مجلس شورای ملی هم بداند که این مؤسسه برای اینکه احتیاج دارند بآن ضروری است باید در هر سال يك مقدار از بودجه مملکتی رویش گذاشته شود تا اداره شود و معلوم شود که این مؤسسه و چودش از روی ضرورت و احتیاج است

به وقوع اجراء گذاشته شود نه اینکه يك قانونی از مجلس بگذرد بعد به بینیم که هیچ اقدام و عملی نشده است روی آن (صحیح است)

**وزیر بازرگانی و پیشه و هنر -** اینکه آقای بیات

فرمودند که دولت باید کلیه کارخانهها را مشمول این ترتیب بداند عرض کردم دولت باستثنای آن قسمت از کارخانجات وزارت جنگ که فقط مخصوص عملیات وزارت جنگ و ارتش است تمام کارخانه ها را مشمول این ماده میدانند و در نظر دارند همراهمین ترتیب عمل کنند (بیات - بنده هم همین نظر را داشتم) بلی عرض کردم با این قسمت آنچه که فرمودید موافق هستیم، فقط اگر می‌نوشتیم که کلیه کارخانجات و بنگاهها بهارز بازرگانی اداره شود موجب زحمت بود و بهتر بود که ماده را بهمین طور که نوشتیم تنظیم کنیم زیرا اگر آنطور نوشته میشد بمحض اینکه این قانون تصویب میشد اینطور نوشته میشد که کلیه کارخانجات باید اینطور عمل کنند یعنی طبق اصول بازرگانی باید از فردا هر طوریکه تصویب شده همانطور عمل کنیم در صورتیکه از همه چیز که بگذریم و از اشکالاتی که ممکن است پیش بیاید صرف نظر کنیم پیدا کردن اشخاصی که مقتضی برای اینکارها باشد خودش البته يك مدتی وقت لازم خواهد داشت این است که باین عبارت نوشته شد ولی در مجلس شورای ملی و نزد دولت مخیر باشد که بتدریج این مسئله را عملی کند و وسائل آن را فراهم کند بنده عرضی ندارم اگر مقصودتان این است که بلافاصله از فردا شروع کنیم عملاً مشکل است ولی راجع بتأمین اصل مقصودی که دارید کاملاً موافقم که در ظرف مدت معینی اقدام بشود که تمام آنها باین صورت در آید و تصور میکنم با این ترتیب مقصود آقا تأمین است و اما راجع به موضوع صدی دوازده که فرمودید تصور میکنم هیچ نوع قصوری از طرف دولت در این باب نشده باشد حتی چون صحبت کشیده شد بموضوع کارخانجات عرض میکنم کارخانجات ملی که در اصفهان هست راجع باین موضوع نمایندگانشان را دوسه بار فرستاده و در وزارت بازرگانی

کمیسیون تشکیل شد و بسوابق کار رسیدگی شد و همین دو روزه هم يك هیئتی از خود وزارتخانه خواهند رفت که بحسابهایشان رسیدگی کنند و این کار در جریان رسیدگی است ولی تصدیق بفرمائید که رسیدگی این کارها بدون بدست آوردن حسابهای جامع آقایان ممکن نیست و بنده نمیتوانم مشکلاتی را که اتخاذ يك تصمیم فوری ممکن است ایجاد کند برای کارخانجات بعرض آقایان برسانم و شاید مثل این باشد که میخواهم دفاعی کرده باشم از صاحبان کارخانه ها چون البته این مورد يك موردی است که نه فقط از لحاظ مصلحت کارخانه بلکه از لحاظ مصلحت عموم هم باید منتتهای دقت درش بشود ولی آن بارزی که پیش بینی شده است یعنی خلاصه گفته شده است که هر صاحب سهمی دوازده درصد در آخر سال بیشتر از سهم خودش منافع ببرد باشد این را تصدیق بفرمائید با بالا و پائین رفتن قیمت اجناس يك کار خیلی سهلی نیست که يك طوری قیمت این محصول کارخانه را تعیین کنند که بعد از آنکه سال تمام شود تمام مخارجش را کارخانه پرداخت و تمام عملیانش را هم انجام داد جنسش را هم فروخت بیانش را هم نسبت بهر صاحب سهم و صاحب کارخانه پیش از دوازده درصد سود برسد این را چه نوع حساب دقیقی میشود از این بابت برایش کرد؟ يك مرحله دیگرش هم این است که اگر يك کارخانه مثلاً خود دولت هم این را تعیین کرد که فلان نوع پارچه را شما باید بفلان قیمت بفروشید و آنها هم قبول کردند ولی در آخر سال وقتی که بحسابشان رسیدیم معلوم شد این جا بهر صاحب سهم در مقابل هر صد تومان بجای دوازده تومان بیست تومان میرسد خوب حالا میفرمائید چه بکنند مردم دور بریزند یا بروند آن خریداران جنس را پیدا کنند و بهر کدامشان يك چیزی پس بدهند؟ اینکه عملی نیست و يك مطلب دیگری که ما را باشتباه انداخته است این است که نوشته شده است نباید پیش از صدی دوازده فایده ببرند صاحبان کارخانه ها. اخیراً آقایان صاحبان کارخانه نظر باینکه فرصت پیدا کرده اند و محصول پنبه یا سایر اجناس یا پشم بیشتر میتوانند تهیه بکنند اخیراً اینطور در نظر

گرفته و تصمیم گرفته بودند در ظرف ماههای اخیر که به هشت ساعت کارا کتفا نمی کردند شانزده ساعت یا هیجده ساعت کار میکردند و آوقت میگویند که اگر شما میخواهید بابت هر صد تومان دوازده تومان بما بدهید خوب هشت ساعت باشش ساعت کار می کنیم ما از امی نداریم باینکه ماشین های خودمان را بزرجت بیندازیم و يك استهلاك بیشتری برایش قائل شویم بعد آخر سال همان دوازده در صدر بگیریم . ما خیال کردیم يك چیز دیگری هم که مؤثر خواهد بود در پائین آوردن قیمت همان میزان محصول است و با این تصمیمی که برای رفاه و آسایش حال مردم گرفته اند اگر ما اقدامی نکنیم که میزان محصول پائین بیاید خود بخود قیمت جنس بالا می رود از این نظر اگر ما بگوئیم فقط بصاحبان سهام صدی دوازده برسد این جا مردم ضرر میرسد و یکی دیگر هم اینکه اینجا در این مورد ما ناچار بودیم تر از نامه سال گذشته شان را داشته باشیم و به بینیم که چه خریده اند و چقدر خرج کرده اند و چقدر عایدشان شده است تا اینکه امهال هم يك مقایسه و تناسبی را رعایت کنیم و به بینیم جنسی را که باین قیمت می فروخت حالا که قیمت مواد اولیه بالاتر رفته بچه قیمت بگوئیم بفروشد . حالا از این مرحله بگذریم يك حرفهای دیگری هم بود آقایان می گفتند ما این صد تومانی را که دادیم و این سهم صد تومانی را خریدیم این صد تومان طلا است و ما می توانستیم سابق با این مبلغ صد تومان خیلی استفاده کرده باشیم و اجناسی که بالنسبه بآن زمان قیمتش دو برابر سه برابر پنج برابر شده است چطور میشود گفت که ما این همان صد تومان را داشته باشیم و فایده آن را دوازده تومان بیشتر بگیریم و ما بیلند يك تقویمی بشود از این حیث و اخیراً هم يك جوابهایی داده شد ولی البته بنده مایل نیستم که جواب قاطعی در این موضوع داده باشم و فقط خواستم خدمتتان عرض کنم که نه قصوری شده نه غفلتی در انجام وظیفه که بموجب قانون بعهده دولت بوده است شده ولی این کارم کول است بيك رسیدگی هائی به بیلان کارخانه ها و ترزنامه آنها و مقایسه قیمت مواد اولیه بالنسبه به پارسال و

و امسال با يك تصمیم عادلانه که حتی المقدور بضرر کارخانه ها برتری می که منجر به بستنشان یا پائین آوردن میزان محصولشان نشود اتخاذ شود ولی از طرف دیگر همانطور که آندفعه هم عرض کردم باید صاحبان کارخانجات این نکته را هم مراعات کنند و قیمت اجناس را با رغبت زیادی که از حیث خریدار می بینند نباید بقدری بالا ببرند که مردم نتوانند تحمل بکنند زیرا این ترتیب البته مضار زیادی برای مردم و آنها خواهد داشت (صحیح است) يك نظر دیگری هم که گرفته شده بود مربوط بکارگران کارخانه ها است که البته بایستی رعایت بیشتری بالاخره نسبت بکارگرهای کارخانه ها بکنیم بنابراین مشغول تهیه مارجی هستیم که از لحاظ رفاه و آسایش کارگرها و تهیه يك مقدار بیشتری محصول بآنها مساعدتهائی بشود از قبیل مساعدت نقدی و جنسی یا بیمه یا بالاخره سایر وسائل بهداری و سایر لوازم که زندگانی کارگران کارخانه هارا هم تهیه و تأمین کنیم که از هر حیث در رفاه و آسایش باشند چون البته اینها هم سهم هستند در تولید (صحیح است) و آنها هم از این تصمیمی که دولت و مجلس شورای ملی برای آنها گرفته است آگاه باشند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای ثقة الاسلامی

ثقة الاسلامی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آزادی

آزادی - عرض کنم که راجع بکارخانجات دولتی اینجا صحبت شد البته يك وقتی دولت میخواست و لازم بود که کارخانجات مختلفی در داخله کشور تأسیس شود برای رفع احتیاجات و برای اینکه مردم تشویق بشود که قسمت های صنعتی را شروع بکنند و صنعت ترویج شود و يك کارخانجاتی در مملکت تأسیس گردد و يك عملیاتی نمایند که سلب احتیاجات مردم از خارجه بشود ولی متأسفانه همانطور که هر چیزی که در مملکت ما در اول خیلی خوب استقبال میشود بعد رفته رفته بد میشود در قسمت کارخانجات هم برای استفاده از مواد اولیه ضروری و تهیه محصول و مقصودی که تعلیم و

تشویق مردم بود بسیار خوب بود و برای منظوری که رفع ما بحتاج کشور را از خارچ بکنند مفید واقع شد ولی برای خرج این کارخانجات خیلی زیاده روی شده اصولاً خارچ خیلی زیادی در قسمت اداری این کارخانجات میشود که بنده معتقدم باید جرح و تعدیل شود بنده شنیده ام که در کارخانجات دولتی که بیشتر بودجه اش صرف عملیه و متخصص فنی و مواد اولیه بشود بودجه کارخانه بیشترش صرف قسمتهای پرسنلی و هزینه اداری میشود مثلاً در يك قسمت در کارخانه سیمان بنده شنیدم که چهار تا پنج تا مثلاً ماشین اویس دارد دوازده تا اعضاء دفتری دارد هیجده تا یا بیست تا حسابدار دارد یا بازرس دارد درحالتی که وقتی این کارخانه ها را مقایسه می کنیم با کارخانجات ملی تفاوت خرج و محصول محسوس میشود اینها بیشتر تشکیل میشود از یکمده عملیات و متخصص فنی که بودجه صرف خارچ اینها باید بشود در سایر قسمتهای اداری فقط يك نفر مدیر يك نفر محاسب يك يادو نفر هم اعضاء دفتر هستند که کارها را اداره میکنند مثل خیلی از کارخانجات اسهان و غیره ولی کارخانجات دولتی فقط وجودش باعث این شده است که يك عده از خوبشان و اشخاصی که با توجه و سفارش می آیند و تحمیل میشوند بر بودجه کارخانه بدون اینکه کاری داشته باشند یا در بهره برداری کارخانه تأثیری داشته باشند بر بودجه مملکت تحمیل میشوند و هیچ کاری هم انجام نمی دهند این بود که این نظر پیدا شد که این کارخانجات را بخود مردم واگذار کنند تا عمل و اداره کنند در برنامه دولت سابق که همین آقای وزیر پیشه و هنر عضو آن بودند یکی از موادش این بود که کارخانه های دولتی را مردم واگذار کنند و مردم بفروشد چه شد که از آن نظر منصرف شده اند و حالا این جا در این قسمت این پیشنهاد را کرده اند و آقای وزیر پیشه و هنر الان در این جا توضیح دادند که آقایان نمایندگان مجلس با این نظر موافق نبودند بنده نمیدانم چطور از نمایندگان مجلس همچو نظری را استنباط کردید ؟ و حال آنکه در برنامه دولت آقای سهیلی

این قسمت بود خود آقای وزیر پیشه و هنر هم در آن کابینه وزیر پیشه و هنر بودند و برنامه آن دولت پس از مذاکرات در مجلس با ۱۰۲ رأی تصویب شد و در آن ماده هم بحث شد و اعلان نظر شد مخالفتی هم نشد والا رأی نمی دادند بنا بر این مجلس شورای ملی با این نظر موافق بوده است و همانطور که آقای بیات فرمودند که کارخانجات بر بودجه مملکتی تحمیل نشود بنده هم عقیده ام این است همانطور که سابقاً هم راجع بکارخانجات گفته شد باید مردم و بازرگانان را تشویق کرد که تجار و سرمایه داران يك شرکتهائی تشکیل بدهند که بتوانند از آنها استفاده کنند و بنظر بنده این فکر صحیحی بوده است و باید همان فکر را عملی کنند که مثل يك کارخانه ملی عمل کنند و کارخانجات ملی بشود اما حالا که باین صورت دربیاید یعنی بصورت بازرگانی دربیاید باز دومرتبه بر بودجه دولت تحمیل خواهد شد و باز مطابق همین وضعی که نوشته اند بموجب آئین نامه باز هم اعضاء اداری زیادی استخدام خواهند شد که تحمیل میشود بر بودجه کارخانه ها بنا برین منظور ما را تأمین نمیکنند و بر بودجه کارخانه تحمیل خواهد شد و این يك قسمتی است که خیلی مهم است و مخصوصاً باید آقای وزیر پیشه و هنر در این قسمت توضیح بدهند و راجع باین کارخانجات از نظر دولت و از نظر خارچی که در آن جا میشود بهره برداری که مینمایند واقماً يك بیلانی برای آنها تهیه کنند و به بینند با هزینه که صرف این کارخانه ها میشود بهمان اندازه بهره برداری میشود ؟ قطعاً نیست و مسلماً ضرر خواهد کرد پس اگر ضرر میکند چرا این کار را میکنند خوب است اینها را واگذار کنند به شرکتهای به تجار و بازرگانان و آنها قطعاً میتوانند بهتر نتیجه بگیرند و بهتر بمملکت استفاده بدهند . موضوع دیگر این است که اینجا نوشته اند مقررات اداری و استخدامی و مالی که برای تأمین این مقصود لازم باشد بموجب آئین نامه هائی خواهد بود . . . . . بنده میخواستم عرض کنم در موقعی که لایحه وزارت پیشه و هنر و بازرگانی بمجلس آمد که وزارت پیشه و هنر و بازرگانی یکی بشود مجلس شورای ملی وزارت پیشه و هنر و بازرگانی را



مكلف كرد كه قانون تشكيلات وزارتخانه شان را تهيه كنند و بنويسند و بياورند. مجلس شورای ملی مدتی را هم معین کردند تا آخر اسفند معین شد البته نظر عمده مجلس و کمیسیون این بود که از بعضی افراط کاریها جلو گیری بشود. این لایحه تصویب شد مدت هم در اسفند ماه منقضی شد کابینه تغییر کرد آقای وزیر پیشه و هنر فعلی در آن کابینه بمجلس معرفی شدند بعداً در موقعی که قانون بودجه بمجلس شورای ملی آمد آن مدت را تمدید کردند و آقای وزیر پیشه و هنر تقاضی کردند که یک ماه و نیم یا بیشتر آن قسمت تمدید داده شود تا موفق بشوند تشکیلات شان را تهیه کنند و بیاورند بمجلس شورای ملی و وضعیت وزارتخانه از این صورتی که هست بیرون بیاید و خوب اداره شود و این رویه که هر روز یک عده را برای کارخانجات استخدام می کنند و یک عده را حذف می کنند از بین برود و بصورت قانونی در بیاید متأسفانه آن مدتی را هم که وزارت بازرگانی و پیشه و هنر تمدید و مهلت خواسته بود آن مدت هم منقضی شد و هنوز هم آن لایحه تشکیلات و سازمان وزارت بازرگانی و پیشه و هنر بمجلس شورای ملی نیامده است البته این مربوط باین وزارتخانه تنها نیست سایر وزارتخانه ها هم هنوز لایحه قانونی تشکیلات شان بمجلس نیامده است و حال آنکه باید لایحه قانونی تشکیلات کلیه وزارتخانه ها بمجلس بیاید و تا تشکیلات آنها بمجلس نیاید و تصویب نشود صورت قانونی ندارد برای اینکه مطابق قانون اساسی باید تشکیلات کلیه وزارتخانه ها بمجلس بیاید و تصویب شود و تا این کار نشود این اسراف و تبذیر هائی که در خارج وزارتخانه ها میشود از بین می رود این است که این موضوع را خواستم آقای وزیر پیشه و هنر و بازرگانی توضیح بدهند که علت اینست که این مدت را تمدید خواسته و هنوز لایحه تشکیلات شان را بمجلس نیاورده اند چه بوده است این را توضیح بدهند که به بینیم اشکالش چه بوده است که نیاورده اند. قسمت دیگر اینست که نوشته اند در این ماده آئین نامه هائی باموافقت وزارت دارائی تهیه میشود در این موقع که مجلس شورای ملی يك اختیارات بیشتری دارد راجع

بآئین نامه ها این طور در نظر گرفته شده است که این آئین نامه ها بهمان کمیسیونهای مربوطه بمجلس شورای ملی برود چون اغلب تجربه شده و دیده شده است که آئین نامه هائی که وزارتخانه ها تهیه و تنظیم میکنند تقریباً خودش يك صورت قانونی پیدا میکند و بعضی از آن مواد با اصل قانون مغایرت و مخالفت دارد در حالی که لازم است آئین نامه برطبق قانون و روی مقررات و مواد همان قانون تنظیم شود این است که بنده اینجا معتقد هستم و پیشنهاد میکنم که این آئین نامه ها هم به کمیسیون بودجه و کمیسیون پیشه و هنر بمجلس شورای ملی برود و تصویب شود. قسمت سوم راجع بمحصولات داخلی کارخانجات بود که آقای وزیر پیشه و هنر چند دقیقه قبل فرمودند در قسمت کارخانه حریر بافی مقصود دولت این بود که چون حریر را از خارج گران می آورند مالین کارخانه را وارد کردیم که پیله را از داخله کشور بخریم و حریر را خودمان در کارخانه درست کنیم و ارزانی بدهیم بدست مردم. بنده امیدام قبل از اینکه کارخانه وارد بشود و ورود پارچه های حریر ممنوع و انحصار بشود پارچه های حریر در چه اول چه قیمتی داشته است و حالا که مواد اولیه آن هم در داخله خود کشور تهیه میشود حالا چه قیمتی دارد؟ تقریباً يك سال قبل از این که باز همین وضعیت بود پارچه های حریر متری چهار تومان پنج تومان بود که نسبت به جنسهای خارجی گرانتر بود حالا هم پارچه های حریر را متری ۱۴ تومان ۱۵ تومان ۱۶ تومان میفروشند بنابر این قیمت این پارچه ها راسه برابر کرده اند و وزارت پیشه و هنر اجازه داده اند که باین قیمت بفروشند در حالی که هیچ تناسبی نسبت به جنسی که از خارج وارد کرده ایم نیست حالا نسبت باجناس خارجی باز يك دلایلی دارد برای گران شدن قیمت ولی در داخله که هیچ موجهی برای گران شدن ندارد و این قسمت را هم خوبست آقای وزیر پیشه و هنر توضیح بفرمایند و باین گرانگی توجه بفرمایند که بیش از این تحمیلی بر مردم نشود (صحیح است)

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه ختم جلسه

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - خیلی مختصر عرض میکنم بعد میفرمائید ختم شود عرضی ندارم

اراقی - پس کوتاهش کنید

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر - چشم: عرض کنم اینکه میفرمائید کارخانجات ملی بشود و دولت رامیفرمائید از کجا استنباط کرد بنده الان همین الان که این عرایض را کردم استنباط کردم که همه آقایان فرمودند الان موقعی که ما کارخانه ها را ملی بکنیم نیست (نمایندگان - صحیح است) همین الان. ملاحظه فرمودید (خنده نمایندگان) اما در برنامه که فرمودید نوشته شده و با ۱۰۲ رأی تصویب شد بنده آن روز هم در کابینه بودم و وارد بودم در برنامه کابینه آقای سهیلی نوشته شده بود که کارخانه های فعلی را دولت در نظر دارد بفروشد همچو چیزی نبود (صحیح است) نوشته بود دولت سعی خواهد کرد که سرمایه ملی در کارخانجات و شرکتهای بیشتر دخالت داشته باشد یعنی سعی شود اگر شرکتی بنا شد دائر کنیم دولت که از سرمایه خودش در آنجا نخواهد گذاشت و هیچ همچو چیزی نبود که ما بخواهیم بفروشیم و در آن برنامه هم که میفرمائید تصویب شد فروشش نبود اما راجع به تشکیلات وزارت بازرگانی که فرمودید بنده چون آقای اراقی فرمودند کوتاه میگویم و توضیح مختصری عرض میکنم سابقاً نوشته شده بود تا آخر اسفند سال قبل وزارت بازرگانی تشکیلات خودش را بدهد و لایحه آرا بمجلس شورای ملی تقدیم کند بعداً تقاضا کردیم از مجلس شورای ملی و تصویب فرمودند که این مهلتی که داده شده بود دو ماه و نیم بر آن اضافه بشود و در ضمن بودجه وزارت بازرگانی و پیشه و هنر این تشکیلات تقدیم مجلس بشود یعنی نه ضمن يك لایحه دیگری و آقایان نمایندگان محترم این را تصویب فرمودند که آن تشکیلاتی که بایستی داده شود در ضمن بودجه یعنی جزو بودجه تقدیم بشود و دیگر احتیاج به لایحه دیگر نداشته باشد بنده هم این امر قانونی را اجرا کردم و در رأس موعد مقرر بودجه را تقدیم داشتیم اگر تصویب فرمودند که آن

تشکیلات هم جزء آن قرار دارد اگر اصلاح فرمودید اصلاحش هم جزء آن است بنا بر این تلافی از اجرای قانون نشده است اما علاوه بر این اگر نظر مجلس شورای ملی این بود که تشکیلات عموم وزارتخانه ها تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی بشود. در این قسمت هم تصویب نامه از طرف ریاست وزراء حاضر شد که عموم وزارتخانه ها منجمله وزارت بازرگانی و پیشه و هنر هم تشکیلات خودشان را در ضمن لایحه معینی نوشته و تقدیم هیئت وزراء نموده است که بعداً همه اش یکجا تقدیم مجلس شورای ملی میشود اما اینکه فرمودید آئین نامه به کمیسیون برود البته نظرات آقایان متفاوت بود ولی بنده خیال میکنم که آن دسته از آقایان نمایندگانی که موافق هستند با نظر آقای بیات قطعاً موافقت خواهند کرد با متن ماده اما اینکه فرمودند مواد بعضی از آئین نامه ها مغایر با قانون ممکن است باشد خوب اینجا جای سؤال دارد جای استیضاح دارد این چیزها همه هست اما اگر آئین نامه منطبق با قانون باشد در هر دفعه که يك لایحه را میگذرانند دو مرتبه بکمیسیون بر گرداندن برای آئین نامه این البته مشکل است و اسباب بطول جریان کارها خواهد شد از طرف دیگر چون نظر عمومی این است که تمام کارخانجات بصورت بازرگانی در بیاید و کارخانجات هم مختلف است کارخانه حریر هست کارخانه پارچه بافی هست کارخانه کنسرو هم هست کارخانجات مختلف دیگر هم هست نسبت بهم بگوئیم که يك مقررات خاصی داشته باشد تصور نمیکنم عملی باشد اگر بنا باشد تمام اینها آئین نامه هایش با اصلاح و تغییراتی که لازم باشد تقدیم مجلس شود و بکمیسیون برود وقت بیشتری را خواهد گرفت ولی وقتی منطبق با اصل قانون و منظور مجلس شورای ملی و دولت باشد گمان نمیکنم ایرادی داشته باشد ولی راجع بکارخانه چالوس و حریر چالوس بنده عرض زیادی ندارم و عرض کردم وارد کردن کارخانه حریر از لحاظ این بود که پیله هائیکه در مملکت تربیت میشود دور ریخته شود و کسایب که زندگانی شان از این محل می گذشت و باغستان فوت داشته

اینها ناچار نشود دست از این کار بردارند و خساراتی بهشان برسد. ولی بنده عرض نکردم کارخانه وارد کردید برای اینکه پارچه ارزان بشود بنده اینطور عرض کردم که برای يك عده که از این راه معیشت می کردند از نوغان و پیله و تربیت کرم ابریشم اقدام شد با آوردن این کارخانه فرمودند چه شده که این سه برابر شده همچو چیزی نیست این يك حساب معینی دارد اضافه که شده صدی بیست یا صدی سی و این اندازه ها بوده اما چرا قسمت پارچه کران شده سؤال فرمائید نسبت به ارسال خیابان چرا کران شده آوقت فرمائید چرا پارچه کران شده است (خنده نمایندگان).

۵- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |  
 جمعی از نمایندگان - ختم جلسه.  
 رئیس - عرض کنم عده از آقایان اجازه خواسته اند و میماند برای جلسه آتی (صحیح است) چون عده از آقایان ختم جلسه را پیشنهاد کرده اند بقیه مذاکرات می ماند برای جلسه بعد و اگر تصویب فرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتی روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ماه (پس فردا) سه ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه شور در لایحه متمم بودجه (صحیح است)  
 (مجلس پنجگاه دقیقه بعد از ظهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری